

## علمی پژوهشی

# سوژه زن اقتصادی در ایران: مطالعه‌ای بر بستر جمهوری اسلامی

مهری مارابی<sup>۱</sup>، سیاوش قلی‌پور<sup>۲</sup>، طهماسب علیپوریانی<sup>۳</sup>

## چکیده

پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ در ایران، گفتمان سیاسی و ایدئولوژیکی جدیدی را مستقر ساخت که با بازتعریف ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، مسیر توسعه و شکل‌گیری نهادها را در قالب چارچوب معنایی نو سامان داد. یکی از حوزه‌های اساسی که به شدت تحت تأثیر این دگرگونی قرار گرفت، موقعیت زنان در اقتصاد و مناسبات تولیدی بود. این پژوهش با هدف تحلیل چگونگی شکل‌گیری و بازتولید «سوژه زن اقتصادی» در گفتمان جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. این مطالعه با بهره‌گیری از چارچوب نظری میشل فوکو (قدرت/دانش) و جودیت باتلر (عملکرد جنسیت) در قالب رویکردهای پسا ساختارگرایانه، به این پرسش می‌پردازد که چگونه گفتمان و ساختارهای نهادی جمهوری اسلامی، از طریق تثبیت هنجارهای جنسیتی و بازتولید نابرابری‌ها، سوژه زن اقتصادی را شکل داده و محدود کرده‌اند. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که هویت اقتصادی زنان محصول تعامل پیچیده میان سیاست‌های ایدئولوژیک، ساختارهای اقتصاد رانتی و مقاومت‌های روزمره است. یافته‌ها حاکی از آن است که مشارکت زنان بیش از آنکه بر شایستگی‌های فردی استوار باشد، در بستر الزامات ایدئولوژیک و سازوکارهای قدرت معنا می‌یابد. این مطالعه با ارائه چارچوب تحلیلی ترکیبی، درکی عمیق‌تر از تعامل میان گفتمان، نهادها و جنسیت فراهم کرده و نشان می‌دهد که تغییرات نهادی بدون تغییرات ساختاری در هنجارهای جنسیتی، نمی‌تواند به ارتقاء پایدار وضعیت اقتصادی زنان منجر شود و سوژه زن اقتصادی در ایران، پدیده‌ای سیال در تنش میان سلطه گفتمانی و تلاش برای کسب عاملیت مستقل است..

## تاریخ دریافت:

۰۱ شهریور ۱۴۰۴

## تاریخ پذیرش:

۰۱ آذر ۱۴۰۴

## کلیدواژه‌ها:

جنسیت؛ اقتصاد سیاسی؛  
گفتمان قدرت؛  
پسا ساختارگرایی؛ جمهوری  
اسلامی ایران

## ۱-مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، نقطه عطفی در تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران بود که با استقرار گفتمان ایدئولوژیک مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، مسیر کشور را در تمامی عرصه‌های اقتصاد، فرهنگ و سیاست تغییر داد. یکی از حساس‌ترین حوزه‌های این تحول، بازتعریف جایگاه و نقش زنان در ساختار اقتصادی و اجتماعی بود. پیش از انقلاب اسلامی،

<sup>۱</sup>دکتری علوم سیاسی (جامعه‌شناسی سیاسی) دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. این مقاله بخشی از رساله دکتری با عنوان «جامعه‌شناسی تغییر وضعیت حقوقی زنان در ایران پس از انقلاب اسلامی» است که تحت نظر و راهنمایی دکتر طهماسب علیپوریانی در آذرماه ۱۴۰۱ دفاع شده است.

<sup>۲</sup>دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. نویسنده مسئول. gholipoor.sia@gmail.com

<sup>۳</sup>دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

سیاست‌های دولت پهلوی با تمرکز بر مدرن‌سازی، حق رأی و گسترش آموزش عالی، مشارکت اجتماعی زنان را افزایش داد؛ هرچند این اصلاحات به دلیل ضعف ساختاری توسعه اقتصادی، همه زنان به‌ویژه در طبقات کم‌درآمد و روستایی را شامل نمی‌شد (کیان، ۲۰۲۳: ۵۴). با استقرار جمهوری اسلامی، گفتمان جدید با تأکید بر نقش محوری زنان در خانواده، سیاست‌هایی را اجرا کرد که اگرچه در مواردی فرصت‌های محدودی برای مشارکت اجتماعی زنان فراهم کرد، اما در مجموع به بازتولید نظم جنسیتی سنتی انجامید. در این میان، مفهوم «سوژه زن اقتصادی» به عرصه‌ای برای کشمکش میان دو نیرو تبدیل شد: از سویی فرصت‌های ناشی از توسعه آموزش و بازار کار و از سوی دیگر موانع ایدئولوژیک و ساختاری حافظ نقش‌های سنتی (بهرامی‌تاش و صالحی اصفهانی، ۱۳۹۷: ۲۱۲).

با وجود گذشت چهار دهه، آمارها نشان‌دهنده یک شکاف عمیق است؛ نرخ مشارکت اقتصادی زنان حدود ۱۳ درصد گزارش شده است، درحالی‌که سهم آنان از تحصیلات عالی، رشد چشم‌گیری داشته است. این تناظر آماری، پرسش‌های جدی درباره کارکرد ساختارهای قدرت و اقتصاد در ایران مطرح می‌کند. برای واکاوی این مسأله، نظریه قدرت میشل فوکو<sup>۱</sup> و نظریه عملکرد جنسیت جودیت باتلر<sup>۲</sup> چارچوب مناسبی فراهم می‌کنند. فوکو قدرت را شبکه‌ای پراکنده در روابط اجتماعی می‌بیند و باتلر هویت جنسیتی را محصول تعاملات گفتمانی می‌داند (باتلر، ۱۴۰۱: ۶). با ترکیب این دو رویکرد نظری، می‌توان نشان داد که چگونه گفتمان جمهوری اسلامی، از طریق شبکه‌ای از سیاست‌ها، قوانین و هنجارها، هم‌زمان امکان‌ها و محدودیت‌هایی را برای زنان در حوزه اقتصاد ایجاد کرده است.

بر اساس این، پرسش بنیادین این پژوهش آن است که گفتمان جمهوری اسلامی ایران از طریق چه مکانیسم‌های قدرت و دانشی، «سوژه زن اقتصادی» را شکل داده و بازتولید کرده است؟ در ذیل این پرسش اصلی، مطالعه حاضر در پی تبیین دو مسأله کلیدی است؛ نخست آنکه شکاف میان رشد تحصیلات عالی زنان و نرخ پایین مشارکت اقتصادی آنان چگونه با ساختار اقتصاد سیاسی ایران قابل تحلیل است و دوم اینکه تفاوت‌های گفتمانی در دولت‌های مختلف پس از انقلاب چه تأثیری بر نوسان سوژگی زنان داشته است؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، استدلال اصلی پژوهش (فرضیه) حاکی از آن است که سوژه زن اقتصادی در ایران، محصول یک «قدرت انضباطی» است که از طریق نهادسازی‌های دینی و ساختار اقتصاد رانتهی، زنان را به سمت بخش‌های غیررسمی و مشاغل خانگی سوق داده و عاملیت مستقل آنان را در چارچوب هنجارهای سنتی محدود کرده است. بررسی اسناد و داده‌های موجود نشان می‌دهد که مسیر مشارکت اقتصادی زنان در ایران پس از انقلاب، همواره میان فرصت‌ها و محدودیت‌های ساختاری، نهادی و فرهنگی در نوسان بوده است و این پژوهش درصدد است تا ابعاد پنهان این نوسان را آشکار سازد.

<sup>1</sup> Michel Foucault

<sup>2</sup> Judith Butler

## ادبیات و پیشینه موضوع

مطالعات مرتبط با زنان و اقتصاد در ایران پس از انقلاب اسلامی عمدتاً بر محدودیت‌های بازار کار و تأثیر سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی تمرکز داشته‌اند. بهرامی‌تاش و صالحی‌اصفهانی (۱۳۹۷) روند اشتغال زنان در ایران بین سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۷ را تحلیل کرده‌اند و نشان داده‌اند که ساختار اقتصاد سیاسی و سیاست‌های نهادینه‌شده، نقش تعیین‌کننده‌ای در محدودیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی زنان داشته است. مطالعات بین‌المللی نیز تأکید می‌کنند که بازتولید اجتماعی و نابرابری‌های جنسیتی در حوزه اقتصادی، محصولی از تعامل میان سیاست‌های دولتی، هنجارهای فرهنگی و ساختارهای اقتصادی است.

پژوهش‌های معاصر نیز بر نقش تبعیض جنسیتی و مسؤولیت‌های خانوادگی به‌عنوان موانع اصلی تأکید دارند (قادرمرزی، ۱۴۰۳). از منظر نظری، فوکو قدرت را نه صرفاً سرکوب‌گر، بلکه تولیدکننده دانش و نرمال‌کننده رفتارها می‌داند که زنان را به‌عنوان سوژه‌های اقتصادی تحت تأثیر قرار می‌دهد (فوکو، ۱۹۸۳). باتلر نیز با مفهوم «عملکرد»<sup>۱</sup>، هویت جنسیتی را حاصل کنش‌های تکراری می‌داند که برای تحلیل نقش‌های اقتصادی زنان در ایران کاربرد دارد (باتلر، ۲۰۲۲). پژوهش‌های جدیدتر به نقش فضاها و دیجیتال در کاهش محدودیت‌های سنتی اشاره کرده‌اند (مرادی و علیزاده، ۱۴۰۲)؛ کریمی و شیرینی، (۱۴۰۲) همچنین مطالعات حوزه اقتصاد مراقبت، اهمیت نقش‌های غیررسمی زنان را در تعیین ظرفیت مشارکت بازار کار نشان می‌دهند (مرادی و صادقی، ۱۴۰۱).

در مجموع، پیشینه مطالعات نشان می‌دهد که سوژه زن اقتصادی در ایران محصولی از تعامل میان ساختارهای اقتصادی، قوانین و سیاست‌ها، گفتمان‌های دینی و فرهنگی و فرصت‌های نوین دیجیتال و جهانی شده است. این مطالعات زمینه نظری و تجربی فراهم می‌کنند تا چالش‌ها و فرصت‌های زنان در اقتصاد ایران به‌طور جامع تحلیل شوند.

### چارچوب نظری: تلفیق قدرت فوکویی و عملکرد جنسیت باتلر

پس‌اساختارگرایی، به‌ویژه در آراء میشل فوکو، چارچوبی بنیادین برای تحلیل فرآیندهای شکل‌گیری و بازتولید هویت‌های اجتماعی و جنسیتی فراهم می‌کند. از منظر فوکو، قدرت پدیده‌ای متمرکز در نهادهایی چون دولت یا قانون نیست، بلکه شبکه‌ای سیال و چندلایه از روابط است که در تمام شوون زندگی اجتماعی جاری می‌باشد. این قدرت نه صرفاً از طریق زور و اجبار، بلکه از مسیر تولید و کنترل گفتمان‌ها، هنجارها و نظام‌های دانایی اعمال می‌شود (فوکو، ۱۳۸۷: ۲۲). هسته مرکزی اندیشه فوکو، پیوند ناگسستنی میان قدرت و دانش است؛ بدین معنا که آنچه به‌عنوان «حقیقت» یا «واقعیت» پذیرفته می‌شود، برساخته‌ای گفتمانی است که قدرت به آن مشروعیت بخشیده است. در حوزه جنسیت، این رویکرد نشان

<sup>۱</sup> Performativity

می‌دهد که تعاریف «زن» و «مرد»، نقش‌های اجتماعی و حتی تصورات مرتبط با توانایی‌ها و محدودیت‌های آنان، محصول گفتمان‌های مسلط است. برای نمونه، در ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷، گفتمان رسمی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی-ایدئولوژیک، الگوی خاصی از زنانه‌بودن را ترسیم کرده است: زن ایده‌آل کسی است که کانون اصلی فعالیتش خانواده باشد و حضور او در عرصه عمومی، تابع ارزش‌هایی چون «عفاف» و «حفظ بنیان خانواده» تعریف شود؛ گفتمانی که در قوانین کار، سیاست‌های اشتغال و تبلیغات عمومی بازتولید می‌شود.

در تکمیل این تحلیل، نظریه «عملکرد جنسیت» جودیت باتلر لایه‌های عمیق‌تری از این پدیده را آشکار می‌سازد. باتلر با نقد انگاره‌های ذات‌گرایانه، جنسیت را نه یک «هویت ثابت»، بلکه مجموعه‌ای از اعمال تکراری می‌داند که در طول زمان اثر یک هسته درونی را ایجاد می‌کنند (باتلر، ۲۰۲۲: ۳۳). بر پایه این دیدگاه، بدن از طریق هنجارهای گفتمانی «مادی» می‌شود؛ چنانکه در اقتصاد ایران، بدن زن به‌واسطه قوانین کار، حجاب اجباری و تفکیک جنسیتی، به‌عنوان یک «بدن اقتصادی خاص» مادی می‌گردد. به عبارت دیگر، پیش از ورود زن به بازار کار، بدن او توسط گفتمان‌های دینی «کدگذاری» شده و امکان تصدی هر نوع شغلی از او سلب می‌شود (باتلر، ۱۴۰۱: ۱۲۰). با این حال، نکته کلیدی در نظریه باتلر، امکان «واژگونی» است؛ زیرا از آنجاکه هویت از طریق تکرار ساخته می‌شود، هرگونه تغییر در شیوه تکرار می‌تواند هویت را دگرگون کند. زنان ایرانی امروز با ورود به فضاهای دیجیتال، کارآفرینی در حوزه‌های نوین (مانند بلاگری، طراحی گرافیک و استارت‌آپ‌ها) و کسب درآمد مستقل، در حال «تکرار متفاوت» نقش‌های جنسیتی هستند. آن‌ها بدون رد کردن کامل گفتمان دینی، مرزهای آن را جابه‌جا می‌کنند و این همان نقطه‌ای است که سوژه زن اقتصادی از وضعیت «انقیاد» به سمت «عاملیت» حرکت می‌کند (باتلر، ۱۴۰۱: ۱۳۱). این بخش از چارچوب نظری توضیح می‌دهد که چگونه زنان در دل محدودیت‌ها، فضاهای خاکستری ایجاد می‌کنند. فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی زنان، نه صرفاً یک ضرورت معیشتی، بلکه یک «عملکرد مقاومتی» است که هویت سنتی زن خانه‌دار را بازتعریف می‌کند.

ترکیب دیدگاه‌های فوکو و باتلر، چارچوبی تحلیلی و دوجوهی را برای این پژوهش فراهم می‌کند. در وجه نخست که مبتنی بر آرای فوکو است، چگونگی تلاش نهادهای قدرت (مانند قوه قضاییه، مجلس و صداوسیما) برای تولید «سوژه زن مطیع اقتصادی» از مجرای قوانین و رسانه‌ها واکاوی می‌شود؛ رویکردی که به تبیین موانع ساختاری، نرخ پایین مشارکت و شکاف میان تحصیلات و اشتغال می‌انجامد. در مقابل، وجه دوم با اتکا به نظریه باتلر، بر عاملیت زنان در سطح خرد تمرکز دارد؛ جایی که آن‌ها از طریق کنش‌های روزمره، مذاکرات خانوادگی و بهره‌گیری از فناوری، در برابر این سوژه‌سازی تسلیم می‌شوند، آن را تغییر می‌دهند یا مقاومت می‌کنند؛ تحلیلی که رشد مشاغل خانگی، گسترش فعالیت‌های دیجیتال و تحول نگرش در نسل جدید زنان را تبیین می‌کند.

## روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از نظر ماهیت، کیفی است که با رویکرد «تحلیل گفتمان انتقادی» و با تکیه بر چارچوب نظری میشل فوکو انجام شده است. در این رویکرد، گفتمان تنها محدود به متن قوانین نیست، بلکه شبکه‌ای از قدرت و دانش است که در متون مختلف (از اسناد رسمی تا رسانه‌ها) جریان دارد و سوژه‌ها (مانند «زن اقتصادی») را بر ساخت می‌کند.

### جامعه پژوهش و داده‌ها

جامعه پژوهش در این مطالعه از دو لایه مکمل تشکیل شده است تا واکاوی هم‌زمان «گفتمان رسمی/دولتی» و «گفتمان عمومی/رسانه‌ای» امکان پذیر شود:

لایه نخست (اسناد بالادستی و رسمی): شامل متون قانونی و سیاست‌گذاری که به‌عنوان «مرکز تولید گفتمان رسمی» در نظر گرفته شده‌اند: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (به‌ویژه اصول ۱۰، ۲۱، ۲۸ و ۴۳)، قوانین برنامه توسعه (برنامه‌های اول تا ششم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)، سیاست‌های کلی جمعیت و خانواده (ابلاغی ۱۳۹۳)، داده‌های آماری رسمی منتشر شده توسط مرکز آمار ایران.

لایه دوم (متون رسانه‌ای و فضای مجازی): شامل یادداشت‌ها، گزارش‌های تحلیلی و بازنمایی‌های کلیدی در رسانه‌های جمعی و فضای مجازی در بازه زمانی پژوهش.

توجیه روش‌شناختی: از آنجاکه در تحلیل گفتمان فوکویی، «حقیقت» در سطح جامعه پراکنده می‌شود، تحلیل متون رسانه‌ای برای این پژوهش ضروری است تا نشان دهد چگونه مفاهیم تولید شده در اسناد رسمی، در سطح عمومی بازتولید، تفسیر یا مقاومت می‌شوند.

بازه زمانی و نمونه‌گیری: دوره زمانی مورد بررسی از سال ۱۳۵۷ (پیروزی انقلاب) تا سال ۱۴۰۲ است. در درون این بازه، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، ابتدا مواد قانونی کلیدی (نظیر اصل ۲۱ قانون اساسی، ماده ۷۶ برنامه پنجم و...) استخراج شده و سپس متون رسانه‌ای هم‌سو یا در تقابل با این مواد، جهت تحلیل گفتمان انتخاب گردیده‌اند. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های تحلیل گفتمان فوکویی (شامل باستان‌شناسی دانش و تبارشناسی قدرت) تحلیل شده‌اند. فرآیند تحلیل در سه مرحله صورت گرفته است: کدگذاری اسناد رسمی: استخراج گزاره‌ها و مفاهیم کلیدی درباره «زن» و «اقتصاد» در متن قوانین. تحلیل تطبیقی با رسانه: بررسی چگونگی بازتاب این گزاره‌ها در لایه دوم داده‌ها (رسانه‌ها) برای شناسایی سازوکارهای انتشار گفتمان.

تبیین برساخت حقیقت: ترکیب یافته‌های دو لایه فوق برای نشان دادن اینکه چگونه «رژیم حقیقت» درباره زن اقتصادی در تقاطع اسناد و رسانه شکل گرفته است.

## ۵. یافته‌ها و تحلیل

### ۵-۱. بازتولید سوژه زن اقتصادی در گفتمان دینی و ایدئولوژیک

شکل‌گیری آنچه می‌توان «سوژه زن اقتصادی» در ایران پس از انقلاب اسلامی نامید، فرآیندی پیچیده و چندلایه است که فهم آن تنها با تکیه بر تحلیل محدودیت‌های جنسیتی یا شاخص‌های صرف اقتصادی ممکن نیست. این پدیده را باید در بستری تاریخی-سیاسی در نظر گرفت که از بدو استقرار جمهوری اسلامی، تحت تأثیر درهم‌تنیدگی گفتمان‌های دینی، سیاست‌های ایدئولوژیک و نهادهای قدرت-دانش شکل گرفته است. نظام برآمده از انقلاب، با اتکا به مبانی فقهی و ایدئولوژی انقلابی، نه تنها قوانین و ساختارهای نهادی را بازتنظیم کرد، بلکه نقش‌های جنسیتی را به گونه‌ای بازتعریف نمود که پیامدهای مستقیمی بر حضور و موقعیت زنان در عرصه اقتصادی داشت (صدقی، ۲۰۰۷: ۱۳۸-۱۳۴).

این بازتعریف از طریق سه مسیر اصلی اعمال شد: نخست، سیاست‌های رفاهی و جمعیتی که ریشه در اصل ۱۰ قانون اساسی داشت و در ماده ۵۲ برنامه اول، ماده ۴۳ برنامه دوم، به‌طور مشخص ماده ۴۰ برنامه چهارم و بندهای ۱۰ و ۱۱ سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۳) با تأکید بر نقش مادری و همسری زنان تداوم یافت؛ رویکردی که به‌طور ضمنی نقش نان‌آور اصلی را به مردان اختصاص می‌داد و زنان را در موقعیتی مکمل قرار می‌داد. دوم، قوانین و مقررات اشتغال (نظیر اصل ۲۱ و ۲۸ قانون اساسی و مواد ۷۸ برنامه سوم، ۷۶ برنامه پنجم و ۱۲۴ برنامه ششم توسعه) که حیطه‌های خاصی را به‌عنوان «حوزه‌های مشروع کار زنان» تعیین و سایر حوزه‌ها را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم محدود می‌کرد و سوم، روایت‌های اخلاقی و دینی که از طریق رسانه‌ها، نظام آموزشی و نهادهای فرهنگی، تصویر زن مطلوب را در چارچوبی خانواده‌محور، متعهد به عفاف و تابع تفکیک جنسیتی تثبیت می‌کردند (مجلس شورای اسلامی؛ ۱۳۶۸، ۱۳۷۴، ۱۳۸۴، ۱۳۹۰) در این گفتمان مسلط، مشارکت اقتصادی زنان کم‌تر به‌عنوان کنشگری مستقل و خودبنیاد و بیشتر به‌مثابه ابزاری در خدمت حفظ ساختار خانواده و ارزش‌های جامعه دینی تعریف می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، حضور زن در بازار کار تا زمانی مشروعیت دارد که با «وظیفه‌مندی زنانه» و نظم اخلاقی-ایدئولوژیک موجود تعارض نداشته باشد (مقدم، ۲۰۰۳: ۱۳۰). در چنین شرایطی، زن بیشتر به‌عنوان «مربی نسل آینده» و حامل ارزش‌های فرهنگی و دینی شناخته می‌شود تا نیرویی فعال در عرصه‌های تولید و تصمیم‌گیری اقتصادی. پیامد این نوع سامان‌دهی قدرت-دانش، همان چیزی است که فوکو آن را «درونی‌سازی هنجارها» می‌نامد؛ فرآیندی که طی آن زنان، آگاهانه یا ناآگاهانه، به بازتولید همان قواعد و محدودیت‌هایی می‌پردازند که امکان عاملیت مستقل آنان را محدود می‌کند (فوکو، ۱۳۸۷: ۱۹۴). رسانه‌های

رسمی نمونه‌های روشن از این فرآیند و بازوی اجرایی گفتمان قانونی هستند. برای مثال، برنامه‌های تلویزیونی و تبلیغات رسمی که زنان را به‌عنوان کارآفرین یا مدیر موفق معرفی می‌کنند، اغلب بر تطابق این موفقیت‌ها با ارزش‌های خانواده و دین تأکید دارند و عملاً الگوی «زن موفق غیرمطابق با هنجار» را نامرئی می‌سازند؛ امری که هم‌سویی آشکاری با بندهای ۱۰ و ۱۱ سیاست‌های کلی جمعیت در خصوص تکریم جایگاه مادران و همسران دارد (مقیسی، ۱۳۸۷: ۴۷).

این بازنمایی‌ها، بازتاب یک فرآیند عمیق‌تر «سوژه‌سازی» هستند که در آن سوژه زن اقتصادی نه به‌عنوان فردیتی مستقل، بلکه به‌عنوان جزئی از نظم دینی-اجتماعی (مستند به اصل ۱۰ و ۲۱ قانون اساسی) تعریف می‌شود. در این چارچوب، مشروعیت کنش اقتصادی زن منوط به بازتولید هنجارهای جنسیتی و ایدئولوژیک است؛ همان چیزی که جودیت باتلر از آن با عنوان «اجرای جنسیت درون نظم گفتمانی» یاد می‌کند (باتلر، ۱۴۰۱: ۳۳). نمونه‌های عینی این منطق را می‌توان در برنامه‌هایی چون «بانوی ایرانی»<sup>۱</sup> یا مستندهای «زنان موفق» مشاهده کرد. این آثار عمدتاً زنانی را به تصویر می‌کشند که موفقیت‌شان در تطابق کامل با الگوهای اخلاقی و خانواده‌محور (هم‌سو با ماده ۱۲۴ برنامه ششم توسعه در خصوص تعادل کار و خانواده) (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵) تعریف شده است. زنان خارج از این چهارچوب - که مثلاً در حوزه‌های هنری نوآورانه، کارآفرینی فناورانه یا فعالیت‌های مدنی مستقل فعال هستند - کم‌تر امکان دیده‌شدن می‌یابند و اغلب در حاشیه قرار می‌گیرند (باتلر، ۱۹۹۷: ۱۴۰).

باین‌حال، همان‌طور که فوکو و باتلر هر دو تأکید دارند، هیچ نظم گفتمانی‌ای کاملاً بسته و بدون روزنه نیست. در ایران نیز، شکاف‌ها و اشکال مقاومت در برابر گفتمان مسلط در حال شکل‌گیری‌اند. بسیاری از زنان با فعالیت در بازارهای غیررسمی، کسب‌وکارهای خانگی (پاسخی عملی به ماده ۷۶ برنامه پنجم توسعه) یا استارت‌آپ‌های کوچک، در حال بازتعریف موقعیت اقتصادی خود هستند. این اقدامات، هرچند ممکن است از سوی گفتمان رسمی به رسمیت شناخته نشوند، اما نمونه‌های روشنی از عاملیت زنانه در شرایط محدودیت ایدئولوژیک (نظیر قید موازین اسلامی در اصل ۲۸ قانون اساسی) محسوب می‌شوند؛ عاملیتی که باتلر آن را «امکان‌بازنویسی هویت از درون گفتمان» می‌نامد.

## ۵-۲. سیاست‌های اقتصادی و شکاف آماری: تحلیل اقتصاد سیاسی

بررسی سیاست‌های کلان اقتصادی و اجتماعی در جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که این سیاست‌ها از آغاز با هدف صیانت از الگوی سنتی خانواده و تثبیت نقش‌های جنسیتی طراحی شده‌اند. دولت اگرچه با بهره‌گیری از ابزارهایی نظیر قوانین کار، سیاست‌های حمایتی و تسهیلات اشتغال، مستند به اصل ۲۸ قانون اساسی (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸)

<sup>۱</sup> برنامه تلویزیونی «بانوی ایرانی» مجموعه‌ای مستند است که از شبکه مستند صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران پخش شده است. محور اصلی این برنامه، بازنمایی چهره‌های زن موفق در عرصه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی با تأکید بر تلفیق دستاوردهای حرفه‌ای با ارزش‌های خانواده و دین است. این برنامه به‌عنوان نمادی از گفتمان رسانه‌ای رسمی و بخشی از منار مورد واکاوی در این پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته است (شبکه مستند صدا و سیما، بی‌تا).

مشارکت زنان در اقتصاد را تشویق نموده، اما هم‌زمان مرزهای دقیقی برای این مشارکت ترسیم کرده است. این مرزها عمدتاً حوزه‌هایی مانند آموزش، بهداشت و فرهنگ را در بر می‌گیرند که کم‌ترین اصطکاک را با ارزش‌های دینی و جنسیتی ایجاد می‌کنند (افاری، ۲۰۲۲: ۱۳۰). این رویکرد را می‌توان «سیاست‌گذاری حمایتی-کنترلی» نامید که دارای دو وجه متضاد است: از سویی تلاش برای افزایش نرخ مشارکت زنان در بخش‌هایی از اقتصادی نظیر ماده ۷۸ برنامه سوم توسعه (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹) و از سوی دیگر به‌کارگیری مکانیسم‌های نظارتی برای اطمینان از خدمت‌دهی این مشارکت به بازتولید نظم ایدئولوژیک (باتلر، ۱۹۹۷: ۱۲۱) الزام به حجاب، تفکیک جنسیتی محیط‌های کار و محدودیت در انتخاب مشاغل، نمونه‌های بارز این مکانیسم‌های انضباطی هستند.

پیامد این محدودیت‌ها، سوق‌یافتن بسیاری از زنان به بازار کار غیررسمی یا فعالیت‌های خانگی است؛ فضاهایی که کنترل نهادی در آن‌ها کم‌تر بوده و امکان تجربه استقلال اقتصادی فراهم می‌شود. برای نمونه، رشد فروشگاه‌های آن‌لاین خانگی در سال‌های اخیر گواهی است بر استفاده زنان از فضای دیجیتال برای عبور از موانع نهادی و کسب درآمد مستقل، حتی اگر این فعالیت‌ها از منظر سیاست‌گذار در حاشیه قرار گیرند؛ پدیده‌ای که پاسخی عملی به ماده ۷۶ برنامه پنجم توسعه (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰) در خصوص اولویت کار در منزل برای زنان سرپرست خانوار است. از سوی دیگر، تحولات کلان اقتصادی نظیر بیکاری گسترده، تورم، تحریم‌ها و بحران‌های مالی، ساختار فرصت‌های اقتصادی را دگرگون ساخته و زنان را به پذیرش نقش‌های اقتصادی جدید وادار کرده است. این تغییرات گاهی بستر شکل‌گیری گونه‌های نوین سوژگی زن اقتصادی را فراهم آورده‌اند که الزاماً با چارچوب‌های رسمی هم‌سو نیستند (آبوت و والاس، ۱۳۸۰: ۱۸۰). بنابراین، «سوژه زن اقتصادی» در جمهوری اسلامی پدیده‌ای سیال و در حال بازتعریف است که در آن سیاست‌های محدودکننده و کنش‌های مقاومتی در تنشی دائمی به سر می‌برند؛ تنشی که تجربه زیسته و خودآگاهی زنان را شکل می‌دهد.

باین‌حال، واکاوی دقیق‌تر حاکی از تفاوت‌های معناداری در صورت‌بندی این سوژه میان دولت‌های اصول‌گرا و اصلاح‌طلب است. این تفاوت‌ها نه در نفی چارچوب ایدئولوژیک، بلکه در قرائت‌های متفاوت از نسبت «زن»، «خانواده» و «توسعه اقتصادی» نهفته است. در دوره دولت‌های اصول‌گرا متناظر با برنامه‌های پنجم و ششم توسعه و سیاست‌های کلی جمعیت، تأکید اصلی بر حفظ و تقویت ساختار سنتی خانواده به‌عنوان بنیادین‌ترین نهاد اجتماعی بوده است. در این گفتمان، سوژه زن اقتصادی غالباً در ذیل مفهوم «مدیریت خانه» و «تربیت نسل» تعریف می‌شود و سیاست‌گذاری‌ها مشوق‌های مالیاتی و وام‌های ترجیحی را به سمت «اشتغال خانگی» و مشاغل پاره‌وقت سوق داده‌اند تا تعارضی با وظایف مادری ایجاد نشود (صدقی، ۲۰۰۷: ۲۲۴-۲۲۱). در مقابل، دولت‌های اصلاح‌طلب (متناظر با برنامه‌های سوم و چهارم توسعه ضمن پذیرش چارچوب‌های کلی نظام، قرائتی توسعه‌گرا از نقش زنان ارائه داده‌اند. در این گفتمان، زن اقتصادی به‌عنوان «سرمایه انسانی ملی» و «کنشگر توسعه» بازتعریف می‌شود. سیاست‌های این دوره‌ها بر رفع موانع حقوقی، افزایش سهم زنان از پست‌های مدیریتی و تسهیل دسترسی به منابع مالی متمرکز بوده است (کیان، ۲۰۰۲: ۸۷). اصلاح‌طلبان با برجسته‌سازی

کلیدواژه‌هایی همچون «عدالت جنسیتی»، کوشیده‌اند مرزهای حوزه‌های مشروع کار زنان را گسترش دهند، هرچند برای کسب مشروعیت سیاسی ناچار بودند فعالیت‌های اقتصادی زنان را با ادبیات دینی سازگار کنند.

از منظر تحلیل گفتمان انتقادی، هر دو رویکرد در نهایت درون همان «حلقه قدرت-دانش» عمل می‌کنند. تفاوت اصلی در این است که اصول‌گرایان بر «درونی‌سازی هنجارهای سنتی» و اصلاح‌طلبان بر «بازنویسی هویت» در چارچوبی مدرن‌تر اما درون‌سیستمی تمرکز دارند. در هر دو حالت، عاملیت زن اقتصادی مشروط به تأییدیه ساختار ایدئولوژیک حاکم است و زنان برای کسب عاملیت، ناگزیر به مذاکره دائمی با این دو قرائت متفاوت از قدرت هستند.

### ۵-۳. مکانیسم‌های قدرت-دانش: آموزش، رسانه و قانون

تثبیت ساختارهای جنسیتی در جمهوری اسلامی ایران را نمی‌توان صرفاً به محدودیت‌های قانونی یا هنجارهای فرهنگی تقلیل داد؛ بلکه این فرآیند در بستر نهادهای «قدرت-دانش» شکل می‌گیرد. نهادهایی همچون آموزش، رسانه و قانون‌گذاری با تولید، مدیریت و بازتولید دانش، نقش‌ها و هنجارهای جنسیتی را تثبیت کرده و هم‌زمان چارچوب‌های نظارتی و محدودکننده‌ای برای مشارکت اقتصادی زنان تعریف می‌کنند (یووال داویس، ۲۰۰۶: ۸۷). این مکانیسم‌ها با نهادینه‌کردن قدرت در سطوح فردی و جمعی و تعیین دامنه «مقبول» فعالیت زنان، هم‌زمان عاملیت محدود و کنترل اجتماعی را تضمین می‌کنند.

### ۵-۳-۱. نهاد آموزش: نهاد آموزش به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان بازتولید نقش‌های جنسیتی در جمهوری اسلامی،

زن را در چارچوب «زن مسلمان متعهد» صورت‌بندی می‌کند؛ کسی که باید هم‌زمان مسؤولیت‌های مادری و همسری را با مشارکت اقتصادی محدود و «مناسب» اجرا کند. برنامه‌های درسی و محتوای آموزشی با تأکید بر آموزه‌های دینی و گفتمان رسمی، ضمن ارتقاء سطح تحصیلات زنان، محدودیت‌های ساختاری عمیقی را در زمینه عاملیت اقتصادی و اجتماعی آنان حفظ می‌کند. به بیان دیگر، آموزش زمینه‌توانمندسازی نسبی را فراهم می‌کند، اما این توانمندی در چارچوب‌های کنترل‌شده و منطبق با هنجارهای جنسیتی و دینی محدود می‌ماند (کیان، ۲۰۰۲: ۱۲۲).

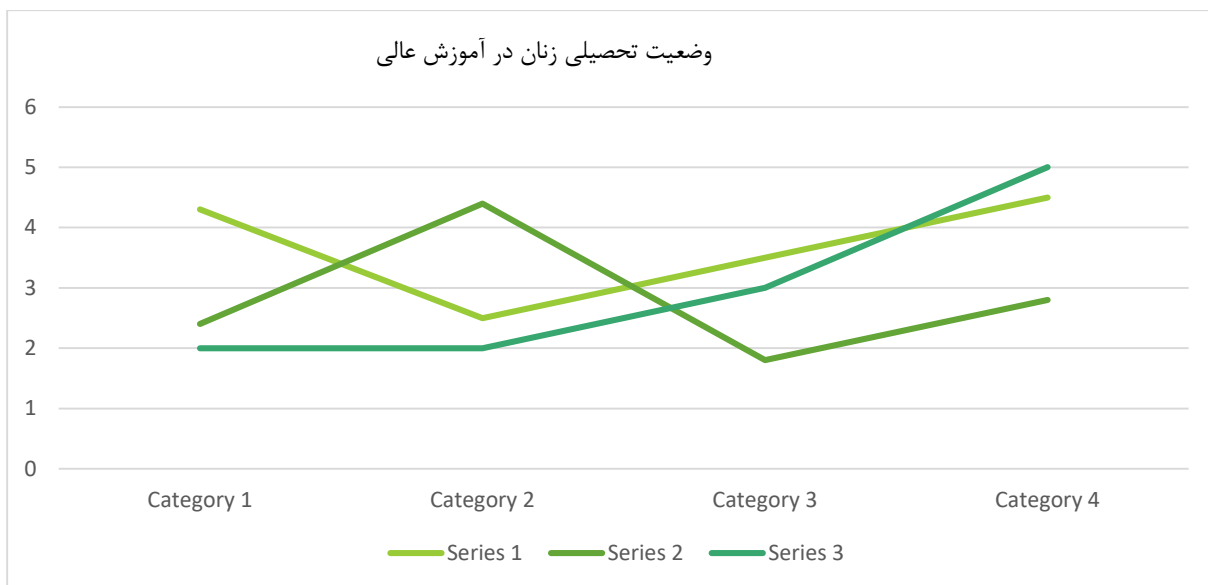
با وجود این، رشد چشم‌گیر تحصیلات عالی زنان در دو دهه اخیر و حضور آنان در مشاغل تخصصی، تحولاتی در سیاست‌های حمایتی ایجاد کرده است. گزارش سازمان جهانی کار حاکی از آن است که سهم زنان در نیروی کار بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات ایران از کم‌تر از ۱۵ درصد در سال ۲۰۱۰ به نزدیک ۳۵ درصد در سال ۲۰۲۳ رسیده است (سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۲۳: ۴۷). همچنین براساس داده‌های یونسکو، سهم زنان از فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد و دکترا از ۳۲ درصد در سال ۲۰۱۰ به بیش از ۴۵ درصد در سال ۲۰۲۲ افزایش یافته است (یونسکو، ۲۰۲۲: ۹۵). این آمارها گواهی بر توانمندی علمی و ظرفیت بالای زنان برای حضور در عرصه‌های حرفه‌ای است.

با وجود این پیشرفت‌ها، نهاد آموزش کماکان به‌عنوان ابزاری برای بازتولید نظم جنسیتی عمل می‌کند. آموزش ضمن توانمندسازی نسبی، عاملیت اقتصادی زنان را در حوزه‌های محدود و کنترل‌شده نگه می‌دارد و نقش‌های اقتصادی را غالباً به مشاغل «زنانه» و «خانواده‌محور» تقلیل می‌دهد؛ به‌طوری‌که عبور از مرزهای جنسیتی تثبیت‌شده دشوار می‌نماید (بوکانن، ۲۰۲۲: ۱۵۷). بدین ترتیب، نظام آموزشی هم‌زمان با ارتقاء سطح تحصیلات، ساختارهای جنسیتی و کنترل‌های اجتماعی را بازتولید کرده و موانع جدی بر سر راه تحقق برابری جنسیتی و استقلال اقتصادی زنان ایجاد می‌کند.

### جدول ۱. وضعیت تحصیلی زنان در آموزش عالی

دهه	میانگین کل دانشجویان	بیشترین کل دانشجویان	میانگین دانشجویان زن	بیشترین دانشجویان زن
۱۳۵۷-۱۳۵۹	۵۴،۴۱۰	۵۴،۲۴۸	۱۱،۳۷۰	۱۲،۵۰۷
۱۳۶۰-۱۳۶۹	۹۵،۴۱۲	۲۸۱،۳۹۱	۳۸،۶۶۷	۷۸،۵۷۲
۱۳۷۰-۱۳۷۹	۹۱۱،۰۷۳	۱،۴۰۴،۸۸۰	۵۳۴،۸۳۳	۶۳۵،۹۷۳
۱۳۸۰-۱۳۸۹	۲،۴۹۹،۸۸۹	۳،۷۹۰،۸۷۸	۱،۱۸۳،۴۷۷	۱،۸۷۴،۷۲۲
۱۳۹۰-۱۳۹۹	۴،۳۷۸،۵۰۳	۴،۴۵۹،۲۸۷	۲،۱۴۵،۱۷۱	۲،۲۰۲،۶۸۵
۱۴۰۰-۱۴۰۲	۳،۲۲۵،۰۰۰	۳،۳۰۰،۰۰۰	۱،۴۰۰،۰۰۰	۱،۵۰۰،۰۰۰

منبع: سال‌نامه آماری مرکز آمار ایران



### ۲-۳- نهاد رسانه:

رسانه‌های رسمی، به‌ویژه تلویزیون و مطبوعات، به‌عنوان ابزارهای اصلی تثبیت گفتمان جنسیتی عمل کرده و نقش‌های محدود زنان در جامعه را بازتولید می‌کنند. در محتوای تولیدشده توسط این رسانه‌ها، زن غالباً در قالب نقش‌های مادری، همسری و یا نیروی کار تابع بازنمایی می‌شود. حتی تصویر «زن موفق اقتصادی» نیز معمولاً به کارآفرینان مشاغل خانگی یا فعالیت‌های کوچک محلی محدود می‌گردد که با هنجارهای خانوادگی و دینی هم‌سو باشند. برای نمونه، برنامه‌های تبلیغاتی مرتبط با زنان کارآفرین در حوزه صنایع دستی، موفقیت را مشروط به رعایت ارزش‌های سنتی و حجاب نشان می‌دهند (نفیسی، ۲۰۱۲: ۴۱). این نوع بازنمایی در چارچوب رسمی، عملاً تصویر زن مستقل، نقاد و حرفه‌ای را که خارج از هنجارهای جنسیتی عمل می‌کند، حذف می‌کند.

در مقابل، رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی فضایی آلترناتیو برای بازتعریف سوژگی زن اقتصادی فراهم آورده‌اند. بسیاری از زنان ایرانی در پلتفرم‌هایی مانند اینستاگرام یا بسترهای کسب‌وکار آن‌لاین، به ساخت برندهای شخصی می‌پردازند بدون آنکه محدود به نقش‌های سنتی باشند. این زنان در حوزه‌هایی نظیر فناوری، مشاوره کسب‌وکار و آموزش آن‌لاین فعالیت کرده و استقلال اقتصادی و حرفه‌ای خود را برجسته می‌سازند (جهانی، ۲۰۲۰: ۵۰). این نمونه‌ها گویای آن است که فرآیند بازتولید سوژگی زن اقتصادی خطی نیست و همواره با شکاف‌ها و مقاومت‌های بالقوه همراه است.

### ۵-۳-۳. نهاد قانون و سیاست‌گذاری

نهادهای تثبیت فرهنگ دینی در جامعه مستلزم بازنگری در حقوق و قوانین کلی و انطباق آن‌ها با فقه اسلامی بود؛ از این رو، بسیاری از مقررات مربوط به زنان بر این اساس تغییر کردند. نهاد قانون‌گذاری با وضع مقررات کار، الزام به حجاب، تفکیک جنسیتی در محیط‌های کاری و سایر محدودیت‌ها، چارچوبی مشخص برای کنترل مشارکت اقتصادی زنان ترسیم کرده است. این قوانین ضمن صیانت از نقش‌های سنتی و ساختار خانواده، حضور زنان را در عرصه اقتصاد محدود و نظارت می‌کنند (کیان، ۲۰۰۲: ۱۴۰). مطابق این رویکرد حقوقی مهم‌ترین مسؤلیت زنان، رسیدگی به امور خانه و ایفای نقش‌های مادری و همسری تعریف شده است. اصول دهم و چهل‌وسوم قانون اساسی که به ترتیب بر هم‌جهت‌سازی قوانین برای تسهیل تشکیل خانواده و جلوگیری از تعارض میان مسؤلیت‌های خانوادگی و اجتماعی زنان تأکید دارند (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸) که گواهی بر اولویت وظایف خانوادگی زنان نسبت به مسؤلیت‌های اجتماعی آنان است. با وجود این، برخی برنامه‌های حمایتی و توسعه‌ای به صورت گزینشی فرصت‌هایی را برای زنان فراهم می‌کنند، به‌ویژه در حوزه آموزش و مشاغل خانگی که نظم اجتماعی موجود را به چالش نمی‌کشند.

نهادهای آموزش، رسانه و قانون‌گذاری به‌عنوان ارکان «قدرت-دانش» در جمهوری اسلامی ایران، ضمن بازتولید ساختارهای جنسیتی، هم‌زمان فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای شکل‌گیری سوژگی زن اقتصادی رقم می‌زنند. این نهادها چارچوب‌های ایدئولوژیک و نظارتی پیچیده‌ای ایجاد کرده‌اند که اگرچه عاملیت زنان را محدود می‌سازد، اما هم‌زمان فضای مقاومت و بازتعریف سوژگی زن اقتصادی، به‌ویژه در عرصه‌های غیررسمی و مستقل، کماکان پابرجاست. این وضعیت حاکی از تنش و پیچیدگی در مسیر شکل‌گیری سوژگی زن اقتصادی است؛ جایی که توانمندسازی نسبی زنان با محدودیت‌های ساختاری و نظارتی گره خورده و تحقق برابری جنسیتی را همواره نیازمند تحلیل‌های دقیق‌تر و سیاست‌های جامع‌تر می‌سازد (جهانی، ۲۰۲۰: ۵).

### ۵-۴. چالش‌های هویتی و اجتماعی در شکل‌گیری سوژه زن اقتصادی

در جمهوری اسلامی ایران، زنان با چالش‌های پیچیده و چندلایه‌ای در فرآیند بازسازی هویت اجتماعی و اقتصادی خود مواجه‌اند که در بسترهای ساختاری، فرهنگی و نهادی ظهور پیدا کرده‌اند. در حوزه اقتصاد، زنان تحت تأثیر گفتمان‌های ایدئولوژیک قرار دارند که حضور آنان را به فعالیت‌های منطبق با ارزش‌های دینی-فرهنگی محدود می‌کند. از منظر گفتمان رسمی، نقش زن در درجه نخست به‌عنوان «مرئی نسل آینده» و «حافظ ارزش‌های خانوادگی» تعریف می‌شود و نه یک کنشگر مستقل اقتصادی. این تعریف هنجاری که در قوانین و اسناد توسعه، بازتاب یافته، حضور زنان را در عرصه اقتصاد مشروط به سازگاری با ارزش‌های دینی و حفظ نقش‌های سنتی می‌سازد (میرحسینی، ۱۳۹۲: ۸۹). نهادهای قدرت-دانش همچون دستگاه قضایی، نظام آموزشی و رسانه‌های رسمی، با اعمال سازوکارهای نظارتی، بدن و هویت زن را در چارچوبی خاص بازتعریف می‌کنند. به‌رغم رشد چشم‌گیر تحصیلات عالی زنان - که نرخ حضور دختران در دانشگاه‌ها طی دو دهه

اخیر بیش از مردان بوده - نرخ مشارکت اقتصادی آنان در سال ۲۰۲۴ حدود ۱۳٪ گزارش شده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۳). این شکاف میان سرمایه آموزشی و حضور اقتصادی، بازتاب ساختارهای محدودکننده‌ای است که زنان را عمدتاً به‌عنوان مکمل اقتصاد خانوار و نه بازیگر مستقل تصور می‌کند.

از نظر نهادی، قوانین خانواده و حق اشتغال نقش کلیدی در محدودسازی مشارکت زنان ایفا می‌کنند. تبعیض‌های مزدی، تفکیک جنسیتی مشاغل و غلبه قراردادهای موقت، امنیت شغلی زنان را کاهش داده است. طبق آمار سازمان ملل، ۴۷٪ زنان شاغل در ایران به دلیل مسؤولیت‌های خانوادگی ناچار به کاهش ساعات کاری یا ترک شغل شده‌اند (ملل متحد، ۲۰۲۲: ۱۱۷).

که بر بی‌ثباتی هویتی آنان می‌افزاید. این شرایط دوگانگی هویتی «مادر سنتی» و «کارگر مدرن» را ایجاد می‌کند که برای زنان سرپرست خانوار به دلیل فقدان حمایت‌های کافی و تحمل بار مالی و مراقبتی، تشدید می‌شود (قادرمرزی، ۱۴۰۳: ۱۶-۱۳).

ابعاد تبعیض تقاطعی نیز قابل توجه است؛ زنان اقلیت‌های قومی علاوه بر محدودیت‌های جنسیتی، با تبعیض‌های قومی و فقر ساختاری مواجه‌اند و به «سوژه‌های نامرئی» بدل می‌شوند (حسن، ۲۰۲۴: ۱۳۷-۱۲۴). این فرآیند از منظر نظریه باتلر، نمونه‌ای از بازتولید انضباط جنسیتی از طریق استانداردهای مقبولیت اجتماعی است (باتلر، ۱۴۰۱: ۱۲۶). با این حال، زنان در قالب اشتغال غیررسمی، کارآفرینی خانگی و کسب‌وکارهای دیجیتال، مسیرهایی بدیل برای بازتعریف هویت اقتصادی خود می‌آفرینند. فوکو این شکاف‌ها را نشانه ناپایداری روابط قدرت و امکان بروز مقاومت می‌داند (فوکو، ۱۳۸۷: ۷۸). سیاست‌های اقتصادی ایران اگرچه سوژه زن را به‌عنوان «بازتولیدگر اجتماعی» تولید می‌کنند، اما همین شبکه‌ها بدر شکل‌گیری سوژه‌های متکثر را نیز می‌پراکنند و هویت زن در نوسان میان انقیاد و عاملیت شکل می‌گیرد.

## ۵-۵. تأثیر تحولات جهانی بر بازتعریف سوژه زن اقتصادی در ایران

گسترش فناوری‌های نوین، به‌ویژه در عرصه ارتباطات و بسترهای دیجیتال، به یکی از عوامل کلیدی دگرگونی نقش و جایگاه اقتصادی زنان در ایران بدل شده است. توسعه شبکه‌های اجتماعی، فروشگاه‌های آنلاین و پلتفرم‌های آموزشی، امکانی را فراهم آورده تا زنان حتی در غیاب دسترسی به بازارهای رسمی و تحت شرایط محدودیت‌های نهادی، مسیرهای نوینی برای فعالیت اقتصادی بیابند و استقلال مالی خود را ارتقا دهند. این فضاها علاوه بر تأمین ابزار تولید و عرضه، شبکه‌های حمایتی و همکاری‌ای را شکل داده‌اند که به زنان اجازه می‌دهد هم‌زمان با کسب درآمد، سرمایه اجتماعی خویش را نیز گسترش دهند (مرادی و علیزاده، ۲۰۲۳: ۱۴۲). اهمیت این تحولات زمانی آشکارتر می‌شود که در نظر آوریم بازار کار رسمی تحت تأثیر هنجارهای پدرسالارانه و سیاست‌های جنسیت‌محور، همواره دسترسی برابر زنان به فرصت‌های

اقتصادی را محدود ساخته است. در چنین بستری، فضای دیجیتال به‌مثابه یک «حوزه موازی» عمل می‌کند که بخشی از موانع ساختاری را دور زده و زمینه‌های تازه‌ای برای بازتعریف سوژه‌مندی زنان فراهم می‌آورد (هینز، ۱۳۹۰: ۲۹۴-۲۹۳).

با وجود فرصت‌های خلق‌شده توسط فضای دیجیتال، محدودیت‌های فرهنگی و نظارت‌های دولتی کماکان مانع بهره‌برداری کامل زنان از این ظرفیت‌ها هستند. به‌طور ویژه، هنجارهای پدرسالارانه و نقش‌های جنسیتی تثبیت‌شده، چارچوبی محدود برای فعالیت اقتصادی زنان ترسیم می‌کنند و مسیرهای خلاقانه آنان را تحت کنترل مستقیم نهادهای رسمی قرار می‌دهند. در این زمینه، نظریه اجرای جنسیت جودیت باتلر نشان می‌دهد که بازتعریف هویت اقتصادی زن مستلزم فضاهایی برای تجربه نقش‌های نوین است، اما در ایران چنین فضاهایی عمدتاً تحت نظارت گفتمان دینی و فرهنگی قرار دارند (باتلر، ۱۴۰۱: ۸۸).

با این حال، حوزه‌های غیررسمی و فرصت‌های اقتصادی مبتنی بر فناوری، امکان مقاومت ضمنی و بازتعریف سوژه‌مندی زنان را فراهم کرده‌اند. کسب‌وکارهای خانگی، بازارهای غیررسمی و فعالیت‌های دیجیتال، زنان را قادر می‌سازند تا توانمندی‌های اقتصادی خود را به کار گیرند و از مرزهای محدودکننده نهادهای رسمی را عبور کنند (ره‌نورد، ۲۰۲۲: ۲۰۱). این تجارب نشان می‌دهد که سوژه زن اقتصادی ایرانی در دل ساختارهای قدرت، همواره میان محدودیت و فرصت، مقاومت و انقیاد در نوسان است و توانایی بازتعریف موقعیت خود را دارد.

علاوه بر این، شبکه‌های فراملی و فضاهای فمینیستی دیجیتال، بستری برای طرح مطالبات حقوق اقتصادی مستقل و شهروندی زنان فراهم کرده‌اند. هرچند این فضاها با محدودیت‌های فیلترینگ و نظارت مواجه‌اند، اما به زنان امکان می‌دهند سوژه‌مندی خود را در قالب‌های تازه تجربه کنند و از چارچوب‌های سنتی و خانواده‌محور گفتمان رسمی فاصله بگیرند (کریمی و شیر، ۲۰۲۳: ۷۷). در نتیجه، فناوری‌های نوین و حوزه‌های غیررسمی اقتصادی، هم‌زمان فرصت‌ها و محدودیت‌ها را برای زنان ایرانی فراهم کرده و نشان می‌دهند که سوژه زن اقتصادی در جمهوری اسلامی فرآیندی پویا، پیچیده و چندلایه است.

## نتیجه

واکاوی سوژه‌گی اقتصادی زنان در جمهوری اسلامی ایران از منظر چارچوب‌های نظری فوکو و باتلر آشکار می‌کند که هویت اقتصادی زنان، نه یک ماهیت ذاتی و ایستا، بلکه برساختی سیال و محصول تعامل پیچیده گفتمان‌ها، سازوکارهای قدرت و سیاست‌های کلان اجتماعی-اقتصادی است. این سوژه‌گی در میدان نیروهای متعارض شکل می‌گیرد؛ جایی که روابط قدرت نهادی، هنجارهای فرهنگی و فرآیندهای بازتولید اجتماعی، هم‌زمان محدودیت‌ها و امکان‌های کنشگری را برای زنان تولید می‌کنند. شواهد تجربی چهار دهه گذشته نشان می‌دهد که با وجود دستاوردهای کمی، سوژه‌گی اقتصادی زنان هنوز در افق برابری ساختاری و آزادی عاملیت محقق نشده است. تحلیل تمایزات سیاستی میان دولت‌های اصولگرا و اصلاح‌طلب

نشان می‌دهد که این تفاوت‌ها نه به‌مثابه یک گسست گفتمانی، بلکه به‌عنوان تنوع در استراتژی‌های «حکومت‌مندی» درون یک ساختار هژمونیک قابل فهم است. درحالی‌که اصول‌گرایان با تمرکز بر «زیست‌سیاست جمعیتی»، زن را به‌عنوان تولیدکننده نیروی انسانی و حافظ ارزش‌های خانوادگی سوژه‌سازی می‌کنند. اصلاح‌طلبان با تأکید بر «توسعه اقتصادی»، تلاش می‌کنند تا کارایی زن را به‌عنوان سرمایه انسانی ملی بهینه‌سازی کنند. باین‌حال، در هر دو قرائت، عاملیت زن مشروط به عدم تزاحم با «رژیم حقیقت» مسلط باقی می‌ماند و استقلال کامل سوژه از گفتمان ایدئولوژیک، همچنان به‌عنوان یک چالش بنیادین پابرجاست.

با وجود این، تحولات ساختاری به‌ویژه گسترش سرمایه فرهنگی زنان از طریق آموزش عالی، ورود به مشاغل دانش‌بنیان و حضور در شبکه‌های کارآفرینی، فضاهایی را برای «بازپیکربندی هویت» گشوده است. زنان، به‌ویژه در کلان‌شهرها، با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و شبکه‌سازی حرفه‌ای، در حال تمرین شکل‌هایی از «مقاومت روزمره» هستند. این کنش‌ها نشان‌دهنده امکان «بازنویسی هویت» و به‌چالش کشیدن نقش‌های تثبیت‌شده از طریق تکرارهای واگراست؛ هرچند این عاملیت همواره در سایه محدودیت‌های ساختاری عمل می‌کند. در کنار موانع گفتمانی، موانع نهادی و حقوقی نیز به‌عنوان بخشی از اپاراتوس قدرت، با تحمیل هزینه‌های فرصت ناشی از مسؤولیت‌های خانوادگی و تبعیض‌های ساختاری، مانع از تحقق کامل سوژه‌گی اقتصادی مستقل می‌شوند.

درنهایت، تحقق سوژه‌گی اقتصادی زنان در ایران، مستلزم گذار از اصلاحات سطحی به تغییرات پارادایمیک در چند سطح است: بازنگری در رژیم حقیقت مسلط از طریق تغییر گفتمان‌های فرهنگی، اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز و تضمین برابری ساختاری در دسترسی به منابع اقتصادی. توسعه فضاهای غیررسمی و دیجیتال، تقویت سرمایه اجتماعی و حمایت از کارآفرینی زنان می‌تواند به‌عنوان کاتالیزوری برای تثبیت عاملیت مستقل عمل کند. تنها از طریق ترکیب این اصلاحات نهادی، گفتمانی و حمایتی است که می‌توان امیدوار بود زنان ایرانی از موقعیت «سوژه منفعل» به «کنشگر اقتصادی برابر» ارتقا یابند و سوژه‌گی اقتصادی آنان نه به‌عنوان امتیازی مشروط، بلکه به‌عنوان حقی ذاتی در نظم اجتماعی تثبیت شود.

## منابع

## کتاب‌ها

- آبوت، پاملا؛ والاس، کلر (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان*. ترجمه منیژه نجم عراقی. تهران: نشر نی.
- باتلر، جودیت (۱۴۰۱). *آشفستگی جنسیتی*. ترجمه امین قضایی. تهران: نشر مجله شعر.
- بهرامی‌تاش، رکسانا؛ صالحی اصفهانی، هادی (۱۳۹۷). *اقتصاد سیاسی اشتغال زنان ایران ۱۳۸۸-۱۳۵۷*. ترجمه مهشید کریمایی. تهران: انتشارات شیرازه.
- فوکو، میشل (۱۳۸۷). *قدرت/دانش*. ترجمه محمد ضمیران. تهران: انتشارات هرمس.
- قادرمرزی، امیر (۱۴۰۳). *زنان، هویت و کار در ایران معاصر: چالش‌های بازار کار مدرن*. تهران: انتشارات اجتماع.
- مقیسی، هایده (۱۳۸۷). *فمینیسم و بنیادگرایی اسلامی: محدودیت‌های پست‌مدرنیسم*. انتشارات ترجمان نگار.
- میرحسینی، زیبا (۱۳۹۲). *اسلام و جنسیت: منازعه مذاهب در ایران معاصر*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- هینز، جفری (۱۳۹۰). *مطالعات توسعه*. ترجمه رضا شیرزادی و جواد قبادی. تهران: نشر آگه.
- مرادی، حمید. و صادقی، کاوه. (۱۴۰۱). *اقتصاد مقاومتی و کار غیررسمی*. تهران: نشر علم.

Afary, Frieda. (۲۰۲۲). *Socialist feminism: A new approach*. Pluto Press.

Buchanan, Linda (۲۰۲۲). *Women, work, and economic agency: A global perspective*. Cambridge University Press.

Butler, Judith. (1997). *The psychic life of power: Theories in subjection*. Stanford University Press.

Butler, Judith. (1997). *The psychic life of power: Theories in subjection*. Stanford University Press.

Kian-Thiébaud, Azadeh (۲۰۰۲). *Women and politics in Iran: Veiling, unveiling, and revealing*. Cambridge University Press.

Moghadam, Valentine (۲۰۰۳). *Modernizing women: Gender and social change in the Middle East* (۲nd ed.). Lynne Rienner Publishers.

Naficy, Hamid (2012). *A social history of Iranian cinema, Volume 4: The globalizing era, 1984–2010*. Duke University Press.

Sedghi, Hmid. (۲۰۰۷). *Women and politics in Iran: Veiling, unveiling, and revealing*. Cambridge University Press.

## مقالات

International Labour Organization. (2023). *Women in the labour market: ICT sector update*. ILO.

- Jahani, Maryam. (2020). Digital spaces and women's economic subjectivity in Iran. *Journal of Middle Eastern Media Studies*, 12(1), 45–62.
- Karimi Niloofar & Shiri, Ali (2023). Transnational networks and digital feminist spaces: Women's economic agency in Iran. *Journal of Middle Eastern Media Studies*, 17(1), 70–85.
- Moghadam, Valentine (2013). Women, work, and economic reform in the Middle East and North Africa. In *The political economy of women's support for fundamentalist Islam* (pp. 105–128). Palgrave Macmillan.
- Moradi, Sara & Alizadeh, Hossein (2023). Digital platforms and women's economic empowerment in Iran. *Iranian Journal of Social and Economic Studies*, 15(3), 135–150.
- Rahnavard, Ladan (2022). Digital entrepreneurship and women's empowerment in Iran. *Journal of Middle Eastern Media Studies*, 16(4), 195–210.
- Rastegar, Kamran (2014). Women and media in Iran: Cultural politics and representation. *Middle East Journal of Culture and Communication*, 7(3), 791–806.
- UNESCO. (2022). *Global education monitoring report: Higher education and gender equality*. UNESCO Publishing.
- United Nations. (2022). *World employment and social outlook: Women in the workforce*. United Nations Publishing.
- Yuval-Davis, Nira. (2006). Intersectionality and feminist politics. *European Journal of Women's Studies*, 13(3), 193–209.

- کریمی، احمد و شیری، رضا (۱۴۰۲). شبکه‌های فمینیستی فراملی و فعالیت دیجیتال. *مجله جامعه‌شناسی فضای مجازی* ۸(۳)، ۷۷-۹۰.
- مرادی، حمید و علیزاده، سارا (۱۴۰۲). اقتصاد دیجیتال و توانمندسازی زنان. *مجله پژوهش‌های اقتصادی*، ۲۵(۴)، ۱۴۲-۱۵۰.
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۸). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (با اصلاحات و بازنگری ۱۳۶۸)*. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۸). *قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۲-۱۳۶۸)*. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۸). *قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۲-۱۳۶۸)*. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۴). *قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۸-۱۳۷۴)*. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۹). *قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹)*. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۴). *قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴)*. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

- مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۰). قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰). روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران. شماره ۱۹۶۴۵.
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۵). قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۵). روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران. شماره ۲۱۸۵۸.
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۰). قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰). روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران. شماره ۱۹۶۴۵.

#### منابع اینترنتی

- شبکه مستند سیما(بی.تا). مستند بانوی ایرانی. بازیابی شده از پایگاه اینترنتی شبکه مستند. قابل دسترسی در: <https://www.doctv.ir>
- مقام معظم رهبری (۱۳۹۳). سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران. دفتر حفظ و نشر اثر آیت‌الله خامنه‌ای.

<https://amar.org.ir/education>

## The Economic Female Subject in Iran: A Study within the Context of the Islamic Republic

Mehri Marabi<sup>۱</sup>, Tahmasb Alipouriani<sup>۲</sup>, Siavash gholipour<sup>۳</sup>

### Date Received:

23 Aug 2025

### Date Accepted:

22 Nov 2025

### Keywords:

Gender, Political Economy, Power Discourse, Post-structuralism, Islamic Republic of Iran

### Abstract

The victory of the 1979 Revolution in Iran established a novel political and ideological discourse that, by redefining social, cultural, and economic structures, reshaped the trajectory of development and institutional formation within a new semantic framework. One of the fundamental areas profoundly affected by this transformation was the status of women within the economy and production relations. This study aims to analyze the formation and reproduction of the "economic female subject" within the discourse of the Islamic Republic of Iran. Drawing on Michel Foucault's (power/knowledge) and Judith Butler's (gender performativity) theoretical frameworks within a post-structuralist approach, this research examines how the discourse and institutional structures of the Islamic Republic have shaped and constrained the economic female subject through the consolidation of gender norms and the reproduction of inequalities. Data analysis reveals that women's economic identity is the product of a complex interaction among ideological policies, rentier economy structures, and everyday resistances. The findings indicate that women's participation is construed less through individual merits and more within the context of ideological imperatives and power mechanisms. By offering a combined analytical framework, this study provides a deeper understanding of the interplay between discourse, institutions, and gender. It demonstrates that institutional changes without structural shifts in gender norms cannot lead to a sustainable improvement in women's economic status. Consequently, the economic female subject in Iran emerges as a fluid phenomenon existing in tension between discursive domination and the struggle for independent agency

1 Phd. Department of Political Science - Faculty of Social Sciences - Razi University, Kermanshah, Iran. .marabi@razi.ac.ir

2 Associate Professor, Department of Political Science - Faculty of Social Sciences - Razi University, Kermanshah, Iran. t.alipour@yahoo.com

3 Associate Professor, Department of Social Sciences - Faculty of Social Sciences - Razi University, Kermanshah, Iran. gholipoor.sia@gmail.com